



چرا سینمای ایران به زوج فیلمسازی مثل حمید نعمت‌الله و هادی مقدم‌دوست نیاز دارد؟

نویسندگان که عاشق سینمای قصه‌گو هستند

احمد محمدتبریزی / در سینمای ایران کمتر پیش آمده دو فیلمساز و ایده‌پرداز به صورت تیمی برای چندین سال در کنار همدیگر کار کنند. همکاری حمید نعمت‌الله و هادی مقدم‌دوست یکی از موارد ویژه به شمار می‌رود؛ این دو فیلمساز برای سال‌ها با هم کار کرده‌اند و به مشکلی برخورد نکرده‌اند.



شروع یک همکاری

همکاری نعمت‌الله و مقدم‌دوست سابقه‌های دو دهه‌ای دارد. اولین جرعه‌های همکاری این دو نفر به سال ۱۳۸۶ و زمان ساخت فیلم سینمایی «بی‌پولی» برمی‌گردد. نعمت‌الله پس از تجربه موفق «بوتیک»، برای دومین فیلم بلند سینمایی‌اش با جسارت بیشتری قدم برداشت و توانست یک فیلم موفق دیگر بسازد.

داشتن زبان مشترک برای دو نفری که می‌خواهند بر سر یک موضوع مشترک کار کنند، خیلی مهم است. نعمت‌الله و مقدم‌دوست به واسطه آشنایی و تجربه کار مطبوعاتی‌شان، با طرز نگاه همدیگر آشنایی داشتند. رسیدن به نقاط مشترک نکته مهمی در همکاری‌های این دو چهره است و هر دو به درستی به آن رسیده‌اند. همین مورد، کار را برای نوشتن فیلمنامه‌های استاندارد و جذاب راحت می‌کند. رسیدن به ایده یک فیلم، اصلی‌ترین کار آن بخش است. نعمت‌الله رسیدن به ایده «بی‌پولی» و همکاری‌اش با مقدم‌دوست را چنین روایت می‌کند: «همیشه در اطراف خودمان با این موضوع که طرف بی‌پول می‌شود و نمی‌تواند آن را نشان دهد و پنهان می‌کند، مواجه هستیم؛ اما اصلاً به او نمی‌آید. دوستی داشتیم که با همین مشکل بی‌پولی مواجه بود ولی خانه و اسم و رسم و ظاهر روبرو داشت و به شوخی می‌گفت راجع به من فیلم بسازید که ما پیشنهادش را زیاد جدی نمی‌گرفتیم تا اینکه با هادی مقدم‌دوست فکر کردیم مهم‌ترین مسأله پیرامون ما او است. آن دوست‌مان فکر می‌کرد موضوعش خیلی ترازیک است اما با دکور و ظاهری که داشت وضع او به نظر ما مضحک بود و تصمیم گرفتیم این دورا را با هم ترکیب کنیم. موضوع و اینکه در این باره بشود فیلم تلخ و شیرینی ساخت برآیمان جذابیت داشت و فیلمنامه را با هادی مقدم‌دوست نوشتیم که حدود چهار سال دوران نگارش ناپیوسته داشت و حدود هفت ماه متمرکز نشستیم و کار کردیم.»

«بی‌پولی» با داستان جالبش در بیست‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر، علاوه بر گرفتن دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه، سیمرغ فیلم برگزیده تماشاگران را هم مال خود کرد. تجربه موفق

«بی‌پولی» نشان داد در سینمای ایران می‌شود کار گروهی انجام داد و نتیجه قابل‌قبولی هم گرفت.

سفری به دهه ۶۰

نعمت‌الله پس از «بی‌پولی» سریال «وضعیت سفید» را برای تلویزیون ساخت. این سریال هم یکی از بهترین ساخته‌های تلویزیون با موضوع اتفاقات دهه ۶۰ به شمار می‌رود که بینندگان بسیاری پیدا کرد. منتقدان زیادی بازنمایی زیبا و درست نعمت‌الله را از زندگی در دهه ۶۰ ستودند و گفتند او نشانه‌های موجود در آن سال‌ها را دوباره احیا کرده و کار بزرگش این بوده که این خاطرات و نشانه‌ها را در قالب یک قصه جذاب ارائه کرده است. نعمت‌الله همکاری‌اش با مقدم‌دوست در «وضعیت سفید» را چنین شرح می‌دهد: «وقتی من و هادی مقدم‌دوست می‌نشستیم پای فیلمنامه و شروع به نوشتن می‌کردیم، با هم گپ می‌زدیم یا بعضی وقت‌ها نیز این گپ‌مان را به نیت سوءاستفاده، به همسن و سالان خودمان که زمان موشکیاران و جنگ در خاطرشان مانده است، گسترش می‌دادیم تا بتوانیم نشانه‌ها و عناصری که شاید خودمان فراموش کرده بودیم را بازیابی کنیم.» از خوبی‌های کار تیمی کردن در سینما، بسط و گسترش موقعیت‌ها است. همان‌طور که نعمت‌الله اشاره کرد، بسیاری از ایده‌های درخشان سریال در گپ و گفت با همکاری مثل مقدم‌دوست شکل گرفت؛ کاری که معمولاً اغلب فیلمنامه‌نویسان در سینما و تلویزیون انجام نمی‌دهند و خودشان به تنهایی جهان شخصیت‌هایشان را می‌سازند. چنین کاری باعث می‌شود اثر نهایی بیش از اندازه شخصی شود و تماشاگران قابلیت برقراری ارتباط با آن را پیدا نکنند.

فیلمسازان قصه‌گو

«آرایش غلیظ» و «شعله‌ور» دیگر همکاری‌های مشترک نعمت‌الله و مقدم‌دوست بودند که هر دو از فیلم‌های قابل‌اعتنای سینمای ایران هستند. در میان همکاری‌های مشترک این دو چهره، هر کدام در مقطعی به سراغ دغدغه‌های



عطرآلود، فیلمی با ایده خوب اما کم‌رمق!

مصطفی محمودی

منتقد سینما، تئاتر و مدرس دانشگاه

عطرآلود از ایده بسیار خوبی سود برده است؛ ایده‌ای که متأسفانه در بسط فیلمنامه دچار اشکالات فراوانی شده و همین پرداخت ناقص باعث شده تا فیلمی با ایده‌های خوب اما کم‌رمق را شاهد باشیم. اینکه می‌گوییم ایده عطرآلود خوب بوده دلیل دارم و معتقدم فیلمنامه‌نویس یا ایده‌پرداز عطرآلود تجربیات یا مطالعات زیادی در حوزه عطر و عطرسازی داشته که توانسته با چنین ظرافتی آن را به مقوله‌های انسانی و معنوی و اخلاقی پیوند دهد. عطر نیز در تشابه با نت‌های موسیقی به داشتن سه گروه از نت‌های گوناگون توصیف می‌شود که یک رایحه هماهنگ را به وجود می‌آورند. این نت‌ها به مرور زمان آشکار می‌شوند و اولین بویی که از عطر به مشام می‌رسد، مربوط به نت بالایی است. به دنبال آن نت میانی احساس می‌شود و در آخرین مرحله نت پایه خود را بتدریج آشکار می‌کند. این نت‌ها با دقت و با توجه کامل به فرایند تبخیر عطر به وجود می‌آیند. رایحه‌های نت‌های بالایی و میانی تحت تأثیر رایحه نت پایه قرار می‌گیرند، به علاوه رایحه نت پایه نیز بوسیله مواد استفاده شده در نت میانی تغییر می‌کند. سازندگان عطرها معمولاً نت‌های عطرها را منتشر کرده و به طور معمول آنها را به صورت هرم رایحه‌ها با عبارات نمایشی و انتزاعی به نمایش می‌گذارند. این تعاریف تخصصی را زمانی که با محتوای موجود در فیلمنامه عطرآلود تطبیق می‌دهیم به راحتی به مفاهیم مستتر در آن پی می‌بریم. اما متأسفانه مشکل از جایی آغاز می‌شود که با وجود پیوند بسیار مناسب این دو مقوله با هم، فیلمنامه نتوانسته در شخصیت‌پردازی و بیان پذیرفتنی روایت خود به صورت صحیح و مقبول عمل کند به گونه‌ای که اکثر قریب به اتفاق شخصیت‌ها پرداخت کامل



عطرآلود یک فیلم خانوادگی سالم و شریف است، مؤلفه‌هایی که نیاز جدی امروز سینمای ایران است تا بار دیگر عامه مردم و بویژه خانواده‌ها را با سالن‌های سینما آشتی دهد



شخصی‌شان رفته‌اند و به تنهایی فیلم‌شان را هم ساخته‌اند ولی باز پس از مدتی دوباره همکاری با همدیگر را ادامه داده‌اند.

همکاری مشترک نعمت‌الله و مقدم‌دوست به قدری برای علاقه‌مندان سینما جذاب است که محور یکی از سؤالات نشست خبری فیلم «عطرآلود» در جشنواره فجر همین بود. مقدم‌دوست که امسال خودش به صورت مستقل با «عطرآلود» در جشنواره حضور دارد، در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه در کنار کارگردانی قصد ندارد بار دیگر با حمید نعمت‌الله همکاری کند، چنین گفت: «از وقتی بیشتر سمت ساخت فیلم رفته، دیگر به هم نرسیدیم و تنظیم زمانی ما برای نوشتن با هم به هم ریخت، اما آرزوی من این است که بار دیگر برای حمید نعمت‌الله بنویسم.» این دو کارگردان و فیلمنامه‌نویس به تجربه‌های ارزشمندی از پس سال‌ها همکاری با یکدیگر رسیده‌اند. هر دو علاوه بر رسیدن به یک جهان و زبان مشترک در آثارشان، فهمیده‌اند در سینما باید قصه را به درستی تعریف کرد و مردم بیش از هر چیزی به سینمای قصه‌گو علاقه دارند. برخی از فیلمنامه‌نویسان سینمای ایران در بیان سراسر است و بدون لکنت داستان مشکل دارند و فیلم‌ها معمولاً از همین بخش ضربه می‌خورند، اما نعمت‌الله و مقدم‌دوست برخلاف این موضوع، خیلی خوب برای داستان‌شان ایده‌پردازی می‌کنند و به درستی آن داستان را گسترش می‌دهند. دلیل موفقیت کارهایشان هم در همین نکته است؛ نکته‌ای که مقدم‌دوست به درستی به آن اشاره می‌کند: «فیلم‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ فیلم‌هایی که محتوا دارند ولی کسل‌کننده هستند و فیلم‌هایی که محتوا دارند و سرگرم‌کننده هم هستند. بنده و آقای نعمت‌الله تلاش داریم فیلمی با محتوا و در عین حال سرگرم‌کننده بسازیم.»

